





گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان

عفت السادات افضل طوسی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱۸

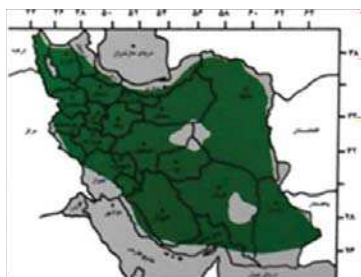
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۱۹

چکیده

نقوش حیوانی از دیرباز در هنر ایرانی اهمیت داشته است. این نقوش گاه به سبب کاربردشان از جنبه کشاورزی و تغذیه، به عنوان نمادی از خدایان، سلطنت و یا عناصری از کائنات به شمار آمده‌اند. در میان نقوش حیوانی، نگاره بزکوهی از اهمیت بسیار برخوردار است. این نقش در دوران باستان کارکردی بیش از یک نقش تزئینی داشته، و نماد طلب باران و برکت بوده است. از عصر ساسانی و سپس دوران اسلامی که اعتقادات و گرایش‌های هنر و فرهنگ تغییرات اساسی داشته، نگاره بزکوهی نیز به حاشیه رفت و بیشترین کارکرد خود را در دست بافته‌های روستایی و عشایری حفظ نمود. هدف مقاله پیش رو جست‌وجوی علت تداوم و حفظ این نقش در هنر باستان و سپس دوام آن در هنر گلیم است. این تحقیق با توجه به نگاره‌های در دسترس از دوران پیش از تاریخ تاکنون، با روش مقایسه اسناد به‌جا مانده در دوران مختلف و روش توصیفی - تحلیلی، ردپای حضور بزکوهی و معنای آن را در هنر ایران مورد بررسی قرار داده است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. به نظر می‌رسد این نقش از دیرباز بر سنگ نگاره‌ها وجود داشته و با توجه به عقاید و آیین مردمان گذشته به عنوان نماد باران، باروری و فراوانی شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر در هنر باستان انتقال یافته و در دست بافته‌های عشایری که از آسیب تغییرات دوران در امان بود، محفوظ مانده است. نزدیکی این نقش با زندگی، معاش و محیط زیست و آرزوهای بافنده و انتقال سنتی آن طی قرن‌ها، موجب حفظ آن در میان بافته‌های عشایری تا به امروز است. بی آن‌که بافنده امروز بر معنای دقیق این نقش آگاه باشد حافظ آن است و به این ترتیب گلیم محمل یک نگاره و آرمان باستانی گشته است.

واژگان کلیدی

بزکوهی، تمدن باستان، گلیم، عشایر ایران.



تصویر ۱- منطقه زیستی بزکوهی به رنگ سبز، ماخذ: تاجبخش،
۱۰۶، ۱۳۷۴



تصویر ۲- بزکوهی، ماخذ: همان، ۱۰۶



تصویر ۳- سنگ نگاره کوه‌های خراوند، ماخذ: ناصری فرد، ۱۳۸۸

قوام و دوام برخوردار است.
سؤال اصلی پژوهش پیش رو این است که چرا نقش بزکوهی تا این حد در هنر ایران باستان تکرار شده و سرنوشت آن در دوران بعد چگونه بوده است؟
برای این منظور نقش بزکوهی از سنگ نگاره‌ها، سفالینه‌ها و فلزکاری در میان اسناد موجود و در دسترس از تاریخ و تمدن باستانی تا گلیم عشایر در دوران معاصر، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. روش مطالعه این پژوهش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. همچنین این نقش در میان نقوش در دسترس از دست بافته‌ها به ویژه گلیم عشایر مناطق بختیاری، شاهسون و قشقایی با ارجاع به پیشینه آن در هنر باستان بررسی شده است. در این پژوهش اهمیت نگاره بزکوهی از جنبه معنا، کاربرد و ارتباط آن با اساطیر، باورها، اعتقادات، آیین‌ها در دوره‌های

مقدمه

اهمیت نقوش حیوانی

پیش از این مردم می‌پنداشتند پدیده‌های طبیعی، مانند ریزش باران و توفان، باروری و حاصل‌خیزی خاک، تحت نظارت نیروهای نامرئی است. انسان برای کنترل طبیعت و ایجاد رفتار مساعد در آن دست به هرآنچه که به گمان او موثر بود میزد تا به بهبودی، برکت و تسلط بر محیط دست یابد. با بالا آمدن ماه، جزر و مد می‌شد، صدای یک‌پرنده ممکن بود نوید باران باشد، یک جانور چهار پا او را به سرچشمه‌ایی در کوه و دشت رهنمون می‌کرد. رفتار غریزی حیوانات در پیش‌بینی حوادث طبیعی و یافتن منابع آب و حیات، برای انسان این تصور را به وجود آورد که در ایجاد حوادث و آنچه مطلوب است، نقش دارند.

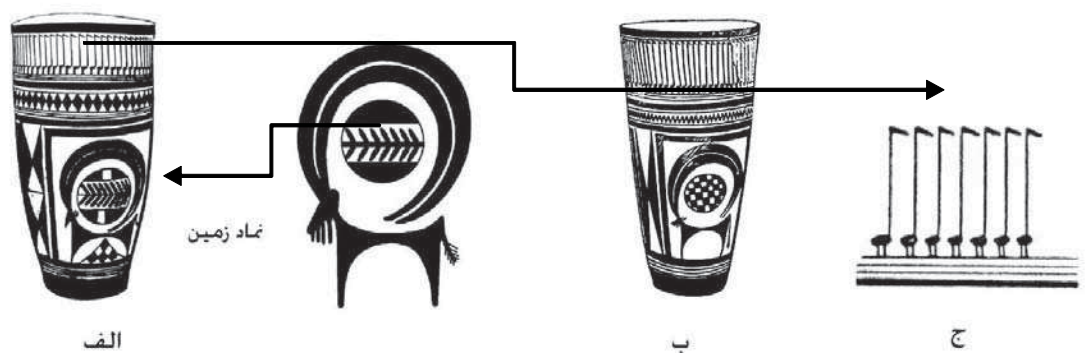
هنرمندان باستان جانورانی را بر مبنای تصورات خود از گل و سنگ و فلز خلق کردند که از دیدگاه‌شان دارای نیروی مانایی بوده و در حوادث و طبیعت نفوذ داشتند. حیوانات گاه به عنوان نیا یا توتم در دوران باستان مورد احترام یا پرستش قرار گرفته و به سبب زیبایی و یا قدرت طبیعی مورد ستایش بودند.

تصویر بزکوهی در هنر ایران، از دیرباز نقش بسیار مهمی داشته و نگاره‌های آن از دوره‌های پیش از تاریخ در نقوش غارها، سنگ‌های حجاری شده، بر ظروف سفالی و فلزی بسیار دیده شده است. این نقش چه به شکل طبیعی و یا به صورت بال‌دار در هنر برنزکاران لرستان دیده می‌شود و در دوره هخامنشی به بالاترین شکوه خود از جهت تنوع شکل رسید و طی قرن‌ها نمادی از نیروی زندگی، باروری و نگهبان درخت زندگی به شمار می‌آمد.

در برخی منابع نگاره بزکوهی، نماد حیوانی از گیل‌گمش، شاه‌خدای سومریو نیز ارباب حیوانات و نشانه آنهایتا، ایزدباران است. در دوران پیش از تاریخ نگاره‌های بزکوهی بر سنگ‌ها نقاشی و حک می‌شد و سفال‌گران شوش همواره قرص ماه یا دیگر نگاره‌های نمادین را میان شاخ‌ها و تنه بزکوهی می‌نهادند و تعداد زیادی از آب‌خوری‌های سفالین شوش در هزاره‌های سوم و چهارم، غیر از حاشیه نقشی جز این ندارند.

بی‌شک هویت نقوش چهارپایان ایران، متأثر از شرایط زیست‌محیطی، فرهنگی و آیین این مردم است. می‌توان گفت برخی پدیده‌های هنری از شرایط اجتماعی نحوه زندگی و معاش مردم دوران خود متأثر بوده و نشان‌گر اهمیت بعضی موجودات و موضوعات در طبیعت اطراف اقوام سازنده آن می‌باشد.

هدف اصلی این پژوهش شناخت معنا و مفهوم نگاره بزکوهی و تداوم آن در هنر ایران، از دوران باستان تاکنون است. با توجه به تغییر شرایط، آیین و شیوه معاش ایرانیان در سده‌های گذشته، همچنان نگاره بزکوهی به شکل‌های مختلف در صنایع دستی و دست‌بافته‌های اقوام ایرانی از



تصویر ۴- مقایسه نمونه‌هایی از نقش بزکوهی همراه با نمادی از زمین (الف) - بزکوهی با نمادی از آب بین شاخ‌هایش، الف، آبخوری‌های به‌دست آمده در منطقه شوش متعلق به ۳۶۰۰ - ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، ماخذ: کامبخش فرد، ۱۳۷۹، ۸۱، ج-نقش پرنده بر لبه آبخوری، ماخذ: نگارنده

مختلف تاریخی و تداوم آن در دوران معاصر، مورد بررسی قرار گرفته است.

ریخت‌شناسی بزکوهی

اشکال مختلف از نگاره بز در هنر باستان موجود است که گاه نیز به دلیل شباهت با دیگر چهارپایان نظیر قوچ، بز و مرال، شناسایی دقیق آن مورد تردید است و در برخی متون به اشتباه نام‌گذاری می‌شود. از این رو ضروری است ابتدا مشخصات ظاهری این چهارپایان بیان گردد.

قوچ

گله‌داران و جوامع دام‌داری اولیه در فلات ایران، قوچ را نماد برتری بر سایر دام‌ها به‌ویژه گوسفند می‌دانستند و مشخصه اصلی قوچ، شاخ‌های حلزونی شکل اوست. قوچ از خدایان مذکر وابسته به باروری و زایش بوده و در اسطوره‌های مصری نماد آمون خدای آفرینش و خنوم، خدای خلاقیت است.

مرال، گوزن، گاو کوهی

این حیوان که از خانواده گوزن‌ها است، شاخ‌های دراز و چند شاخه دارد و شاخ‌هایش بیش از گوزن زرد و تا ۱۱۰ سانتی‌متر رشد می‌کند. زیست‌گاه این حیوان که اغلب با بزکوهی اشتباه گرفته می‌شود، بیش‌تر در مناطق شمالی ایران است. این حیوان از پراکندگی و گسترده‌گی محل زیست مانند بزکوهی برخوردار نیست.

آهو

این حیوان نیز در سراسر ایران پراکنده است. شاخ آن تا ۴۴ سانتی‌متر رشد می‌کند، پاهای بلند و گردن کشیده و شاخ‌هایش کوتاه و به سمت عقب است. در مجموع از مرال و بزکوهی و قوچ کوچک‌تر است.

کل، پازن، بز کوهی

بزکوهی تقریباً در تمام استان‌های ایران و مناطق کوهستانی پراکنده است. (تصویر ۱) این حیوان شکار طبقات مختلف اجتماع از شاه و اشراف و مردم کوه‌نشین بوده است.

کل و بز به راحتی از صخره‌ها بالا می‌رود، شاخ آن شمشیری و زیبا است و سن حیوان از برجستگی روی شاخ برآورد می‌شود. (تاجبخش، جمالی، ۱۳۷۴، ۱۰۷)

در پایین چانه جنس نر دسته‌ای از موهای بلند ریش مانند روئیده است. دم آن کوتاه است و طول آن با موهای انتهایی کمی بیش‌تر از طول گوش است. پاهای قوی و سم آن نسبتاً پهن است. (تصویر ۲)

نقش بزکوهی برای نخستین بار بر روی مهره‌های استوانه‌ای شکل بین‌النهرین متعلق به هزاره‌های چهارم و سوم ق.م دیده می‌شود. (هال، ۱۳۸۰، ۱۰۱) و نقش آن در تمام آثار متنوع فلزی و سفالی، تا دوره ساسانی ساخته و پرداخته می‌شده است.

بز کوهی بر سنگ‌نگاره‌های ایران

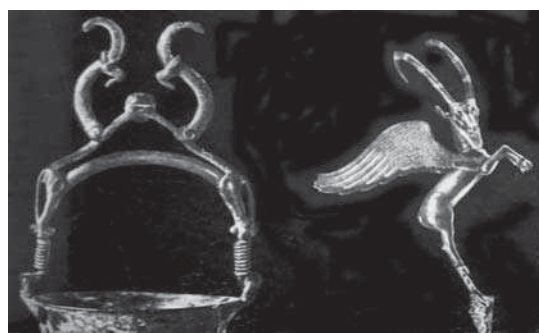
نگارهای سنگی قدیمی‌ترین کتاب بشر اولیه است که بر آن علایق، سلايق و اعتقادات خود را ثبت نموده است.

حدود ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نقش بر دل کوه‌ها و غارها حجاری شده است که به جرات می‌توان گفت فراوان‌ترین نقش یافته شده در سنگ‌نگاره‌ها بزکوهی به‌ویژه بزکوهی نر، باشاخ‌های بزرگ و کشیده به سبک‌های گوناگون است که در غالب صحنه‌ها خودنمایی می‌کند. (فرهادی، ۱۳۷۷، ۱۳۰) این نقش با توجه به پراکندگی گسترده این حیوان در ایران در سنگ‌نگاره‌های مناطق کوهستانی لرستان ارسباران، کهکیلویه، خمین، دشت مغان و دیگر مناطق ایران دیده شده است. (تصویر ۳)

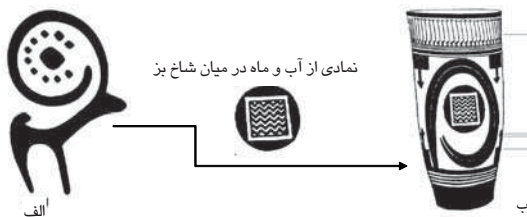
بزکوهی با شاخ‌های بلند به عقب برگشته و گردن باریک نود درجه نقش ثبت شده در سنگ‌نگارهای مناطق مختلف ایران است و به معنی درخواست آب، زاینده‌گی و فراوانی نعمت است و به نظر می‌رسد، سنگ‌نگاره دایره‌ای شکل با سه شاخه کوتاه در انتها (Q) استلیزه نقش بزکوهی است. (ناصری فرد، ۱۳۸۸، ۱۳۳) در کنار نقش نگاره‌های کشف شده از بزکوهی نقش نگاره‌ای به شکل لوزی hu < دیده می‌شود



تصویر ۷- دسته‌ظرفی از مفرغ‌های لرستان در مقایسه با بزکوهی بال دار دوره هخامنشی، ماخذ: گیریشمن، ۱۳۷۱، ۱۰۳



تصویر ۸- بزکوهی ریتون اشکانی، موزه رضاعباسی



تصویر ه‌الف - نقشمایه بزکوهی خلاصه شده همراه با نماد آب، یافته‌شده در تپه حصار، ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد، تصویر ه‌ب - بز با ماه در میان شاخ‌هایش، شوش، ماخذ: نگارنده



تصویر ۶- آناهیتا با بزکوهی بر سرش، نمادی از ایزد آب، ماخذ: گیریشمن، ۱۳۷۱، ۲۴

اهمیت ماه با توجه به رابطه آن با رستنی‌ها، آب و بارش باران در طبیعت حیاتی است. «شاخ مظهر نیروی فوق طبیعی، الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول، زاد و ولد و باروری می‌باشد. همچنین مظهر نیروی جان با اصل حیاتی که از سر بر می‌خیزد؛ از این رو شاخ‌های روی کلاه خود یا سرپوش نیرویی مضاعف می‌بخشد. ایزدان شاخ‌دار نیز، هم‌مظهر جنگ‌جویی، هم مظهر باروری و هم ارباب حیوانات به‌شمار می‌آیند.» (کوپر، ۱۳۷۹، ۲۱۸)

می‌توان گفت نقش بزکوهی بیش از سایر حیوانات، در مفرغ‌ها و سفالینه هزاره‌های پیش از میلاد به‌کار رفته است. «این حیوان که در باورهای قومی و اساطیری، اصل مذکر و سمبل [نشانه] قدرت تولید به‌شمار می‌رود، یکی از حیوانات حاکم بر آسمان‌ها، دهمین علامت از منطقه البروج و همچنین یکی از صورت‌های فلکی در آسمان شمالی است که «بزشاخ‌دار» نیز نامیده می‌شود. بزکوهی نیز رب‌النوع ماه است.» (جایز، ۱۳۷۰، ۲۵-۲۳)

ایرانیان برای بزکوهی و جانوران شاخ‌دار دیگر نیز نیروی جاودانه‌ای قائل بودند و به احتمال قوی میان شاخ‌های خمیده و هلال ماه ارتباطی متصور بودند. ماه از زمان‌های بسیار قدیم با باران و خورشید با گرما و خشکسالی مرتبط

که از مجموعه خطوط مختلط ایلام کهن بوده واز سوی پروفیسور باستان‌شناسی به‌هینتس^۱، معنی تقدیس‌شناسایی شده‌است.

وجود نقشی زیگورات‌شکل در نزدیکی این طرح موید تقدس آن است. غالباً نقوش بزکوهی در مناطق نزدیک به آب بوده و حتی امروزه جزء مناطق با برکت به حساب می‌آید. در این دوره نقش بزکوهی مانند یک فرشته اسطوره‌ایی و مقدس نگهبان ماه و درخواست‌کننده آب، زاینده‌گی و فراوانی در همه‌جا دیده می‌شود. (همان، ۱۳۴)

نقاشی برای انسان در دوره باستان، اولین خط‌نویستاری او محسوب می‌شود و امید به باروری و برکت بیش‌تر است و قاطعانه می‌توان گفت نقش بزکوهی به‌عنوان نمادی از ماه و باران بیش‌از حیوانات دیگر مانند گوسفند، اسب، گوزن و شیر برای مردمان گذشته ایران اهمیت داشته و فراوانی آن نشانه اهمیت در زندگی و اعتقادات آن‌ها است. با توجه به این‌که بز نسبت به گرما و مناطق صعب‌العبور، کوهستانی پوشش گیاهی کم مقاوم بوده و شکار بومی ایران است، اهمیت حیاتی این حیوان در معاش و گذران زندگی کوچ‌نشینان آشکار است. از سویی برای انسان عصر باستان، شاخ این حیوان یادآور ماه است.

(کوپر، ۱۳۷۹، ۱۳۹) گبریشمن معتقد است ایرانی‌ها و یونانی‌ها در دوران‌هایی در هنر خود موضوع‌های اساطیری را نقل می‌کنند. این آثار در ایران ابتدا در سفالینه‌ها و بلافاصله در هنرمندان فلزکار دیده شده و حداقل به مدت دو قرن در لرستان نقش روی فلزات بود. (گبریشمن، ۱۳۷۴، ۷۴)

در یکی از اسطوره‌ها که به داستان آفرینش انسان مربوط است، داستان روییدن گیاهی با دو برگ (احتمالاً ریواس) به شکل انسان در آمده که به مشیبه و مشیانه معروف است و در حوادثی که برای شان پیش آمد از شیر بز سپیدی نوشیدند. به عبارتی بز در حیات بشر اولیه نقش مهمی دارد. (کارنوی، ۱۳۸۳، ۵۱)

در اسطوره‌های ایران باستان، از بین ایزدان که در هیئت [به شکل] چهارپایان در آمده‌اند می‌توان به ورثرغنه (بهرام) ایزد جنگاوری و پیروزی اشاره نمود که موجودی انتزاعی است و یکی از تجسم‌هایش بز نر جنگی بوده است. (هینلن، ۱۳۷۴، ۷۱)

با بررسی نقشمایه بزکوهی در آبخوری‌های سفالی ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد در شوش ابعاد غیرمتعارف شاخ‌ها مشهود است که نمادی از ماه و به عنوان سرچشمه نزول باران محسوب شده و در اکثر موارد نمادی از زمین، آب و خورشید در میان شاخ‌ها منقش است. (شکل ۴)

میان ماه، آب ورستنی‌ها در اساطیر باستان جهان به ویژه اساطیر هند و ایرانی که نیای مردمان فلات ایران هستند، پیوندی غیرقابل انکار وجود دارد. ارتباط ماه با جزر و مد، توفان و باران ارتباط آن با ورستنی‌ها را تقویت می‌کند. در پشت‌ها (VII، ۴) آمده است: گیاهان در گرمای ماه رشد می‌کنند. ارتباط ماه با گیاهان و ورستنی‌ها چنان است که شماری از خدایان باروری هم‌زمان خدایان قمری نیز هستند مانند هاتور در مصر و آناهیتا در ایران. در فرهنگ‌های دیگر دنیای باستان موجوداتی همچون سگ یا حلزون، مار و مارماهی و قورباغه در رابطه با ماه و باران است. (الیاده، ۱۳۷۲، ۱۶۷-۱۶۴)



تصویر ۹- بشقاب سیمین دوره ساسانی، با نقش شکار بزکوهی، ماخذ: تاجبخش و جمالی، ۱۳۷۴، ۲۴

دانسته می‌شد.

بنابراین شاخ در نزول باران موثر شمرده شده و این وابسته آب به طور برجسته روی ظروف جلوه‌دار شد و همواره قرص ماه در میان هلال شاخ‌ها همچون مخزن آب به تصویر کشیده می‌شد. و چهارگوشه نشانه زمین است، زیرا دارای چهار جهت اصلی استو آسمان نیز به شکل پرنده‌هایی که بال‌های خود را گشوده است، جلوه می‌کند. (پوپ، ۱۳۸۰، ۱۵) با توجه به این معانی رمزی و جادویی می‌توان دریافت که چرا نقش جانوران شاخ‌دار با صراحت و قوت در نمونه‌های هنری جلوه‌گر شده است.

بزکوهی در اسطوره‌های ایران

اسطوره، واکنش ناتوانی انسانی نسبت به عدم آگاهی از علل واقعی حوادث و تلاش در جهت تفسیر آن است. ماهیت اسطوره‌ها با نماد توصیف می‌شود چرا که نمادها مناسبات و ارتباطات بین دال و مدلول، انسان و ایزد را تعریف می‌نماید.

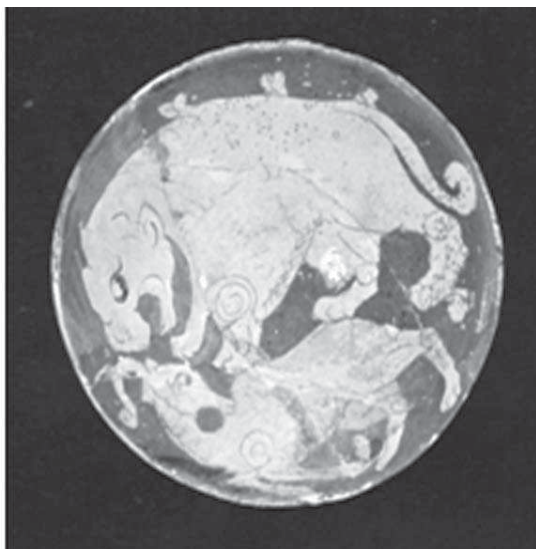


ب



الف

تصویر ۱۰- نقش قوچ در پارچه ساسانی، الف- با حلقه مروارید برگردن به نقل از گبریشمن، ب- بازسازی همان نقش، ماخذ: ریاضی، ۱۳۸۲، ۲۲۳



۱۲- شیر و بزکوهی، سفال نیشابور، سده پنجم ق. ماخذ: کریمی، کیانی، ۱۵۸، ۳۶۴۱



۱۱- غزال در صحنه شکار، سفال کاشان سده هفتم ق، ماخذ: خلیلی، ۱۳۸۴، ۲۷۳



تصویر ۱۳- گلیم شاهسون با نقش بزکوهی.

در فرهنگ ایران باستان علاوه بر آن که بزکوهی نمادی از بهرام ایزد پیروزی است، شاخ او نیز یادآور و نشانه ماه است، از این رو در میان شاخ‌هایش نمادی از آب (باران) و یا زمین که اشاره به رستنی‌ها است دیده می‌شود. (تصویر ۵-۴) در مفرغ‌های لرستان بزکوهی در کنار آناهیتا آمده و یادآور ایزد باروری و آب و آبادانی است. (تصویر ۶)

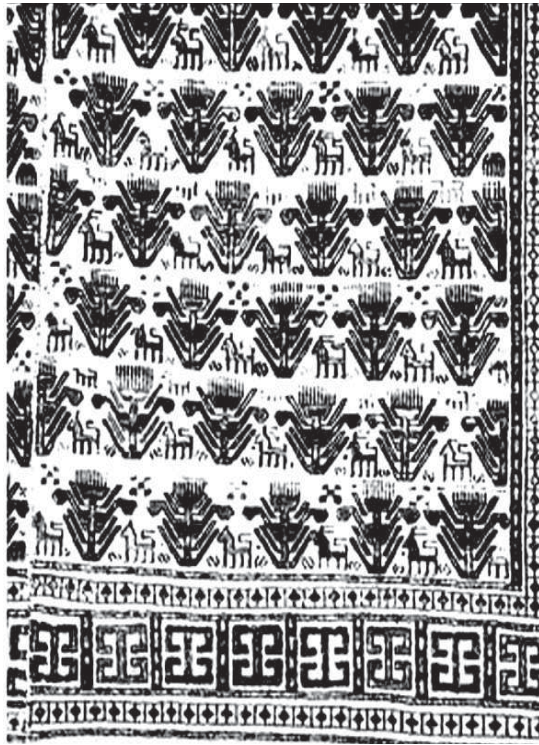
در تمدن لرستان هزاره اول قبل از میلاد نیز پیکره‌های بزکوهی بسیار دیده شده است. در میان آثار به جامانده قطعات نذری که منظور دقیق آن‌ها مشخص نیست، تصاویر بزکوهی و ابزار و آلات مربوط به اسب (زیر سری‌ها) و پیکره‌های ساده به شکل سنجاق بوده که ممکن است مربوط به نشان‌های خانوادگی و یا برای قربانی و چشم و نظر ساخته شده و یا اشیایی که معرف جدال قهرمان با دوجانور جنگلی است دیده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین آثار مفرغ لرستان میله‌های برنزی است که در عبادتگاهی در «سرخ دم» یافته شد این میله‌ها به یک صفحه مدور منتهی می‌شود که در مرکز آن شکل سرانسانی برجسته‌ای کار شده که باید سر «رب النوع مادر» اقوام آسیایی باشد که از آسیای صغیر تا شوش مورد پرستش بوده است. (گیریشمن، ۱۳۷۱، ۴۸)

قطعه‌ای از این دسته اشیاء رب النوع مذکور را در مرکز داشته در اطراف آن چهار بز دیده می‌شود. در قطعه‌ای دیگر که احتمالاً ایزد «اشی» خواهر «سروش» را در حال زایش و شیرافشانی در مرکز دارد در دو طرف الهه دو بزکوهی حک شده که به نظر می‌رسد دارای معنای آیینی است که با باروری مرتبط است. (تصویر ۶)

باید یادآور شد بزکوهی با شاخ‌های طولیل، شاهکار نگارگران لرستان است که آن را از هنرمندان آشور به ارث بردند و با توانمندی قدرت تعبیر را نشان می‌دهد و آن‌ها

در کوچک نمودن تصاویر پیشوای هنرمندان جانورنگار عهدخامنشی بوده‌اند که اوج هنرشان در دسته کوزه‌ای از برنز و طلاکوب با پیکره دو بزکوهی بال دار دیده می‌شود و به نظر می‌رسد الگوی آن دسته‌ظرفی در مفرغ‌های لرستان با دو بزکوهی است. (تصویر ۷) در تصویر ۸، ظرف (ریتون) با نقش حیوان شاخ‌دار (احتمالاً بز) در انتهای آن از دوره



تصویر ۱۵- شاهسون خمسه ماخذ: Luczyk, Hull, 1983, 200



تصویر ۱۴- فارس شکرلو، ماخذ: پرهام ۱۱۱، ۱۳۷۰.

که در مرکز منقوش به خط کوفی و در ردیف پایین دو بزکوهی بال دار در نهایت زیبایی و ظرافت منقوش است که خود ظریف ترین میراث نسل های متمدنی استادان نقش جانوران است. (پوپ، ۱۳۸۰، ۸۵) در سفالینه ها نیز در صحنه شکارگاه، بزکوهی و یا غزال و به ندرت گوزن در برخی آثار دیده شده است. (تصویر ۱۲-۱۱) اما مهم ترین محل حفظ و کاربرد این نقش در دست بافته های عشایری است که در ادامه به آن اشاره می شود.

تاریخچه گلیم بافی

با آن که قدمت بافت فرش و گلیم چندان کم تر از تاریخ سفالگری نیست و به عصر مفرغ می رسد، ولی به دلیل خلل پذیر بودن پشم و این که در رطوبت و خاک می پوسد، حفريات باستان شناسی هرگز نتوانسته ما را در یافتن نمونه های بسیار کهن یاری دهد. بنابراین در مقابل قالی بافی که سند آن دست کم به سه هزار و پانصد سال پیش می رسد سند محکمی از سابقه تاریخ بافت گلیم در دسترس نیست. اما به دلیل شیوه بافت احتمالاً بیش از بافت قالی سابقه دارد و به مردمان آسیای مرکزی نسبت داده می شود. (پرهام، ۱۳۷۱، ۳۶)

گلیم به عنوان یکی از نخستین زیراندازهای بشر، سابقه تولید بسیار طولانی دارد. بافت گلیم، با توجه به انواع کاربرد آن شامل جل، مسند، خورجین، نمکدان، سفره، مفرش، و انواع دست بافته های تخت یا مسطح بافت؛ جاجیم، زیلو، شیریکی پیچ، گلیمچه، جنته، ورنی، از پایدارترین صنایع

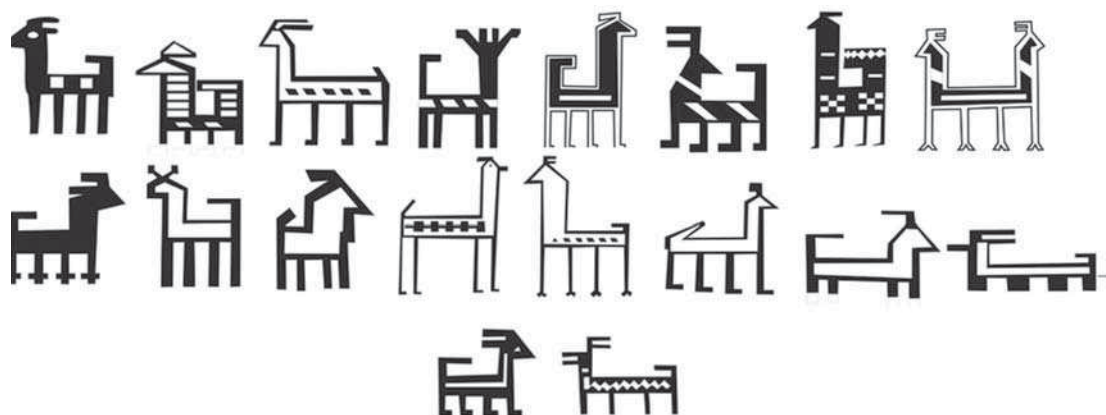
اشکانی دیده می شود.

در دوران حکومت ساسانی، بزکوهی به صورت ترکیبی در صحنه شکار شاهان بر بشقاب های سلطنتی دیده می شود. صحنه شکار و تیراندازی شاه به گران، آهو، بزکوهی و قوچ و شیر از مضامین تکرار شده در هنر ساسانی است. این تصاویر نمادی از تفوق شاهان و پیروزی آنان بر دشمنان و به عبارت دیگر نمایشی از شجاعت و برتری پادشاه می باشد. (تصویر ۹)

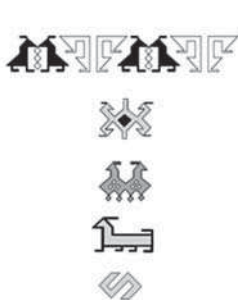
تفسیر این صحنه ها، چون بازتاب های تمثیل دیرینه شکار و جنگ، و به منزله شکست دشمنان دنیوی و معنوی در هیئت حیوانات می باشد. در هنر پارچه بافی ساسانی، نقش تزئینی سنتی یعنی شیر، تازی، سگ، گران، بزکوهی و غیره نیز به کار گرفته شد. (گدار، ۱۳۴۵، ۲۰۲) نمونه آن پارچه ای با نقش بزکوهی یا قوچ با گردنبندی از مروارید (سده ۷-۶ م) در قاب بیضی شکل است که از گورستان زیرزمینی آنتی نوئه مصر به دست آمده و گیریشمن آن را منصوب به ساسانیان می داند. (ریاضی، ۱۳۸۲، ۲۲۳) (تصویر ۱۰)

می توان گفت در دوران ساسانی رفته رفته اهمیت نمادین نقش بزکوهی کم شده و در ترکیب با موضوعات دیگر مانند شکار مطرح گردیده است. در دوره اسلامی گاه در نقاشی و تزئین سفال، شیشه و پارچه، به ویژه در صحنه شکار حضور یافته و نمونه های زیبایی از آن به تقلید از هنر ساسانی مشاهده می شود.

از جمله بر بشقاب سیمین معروف آلبارسلان (ه. ۴۵۹ ق.)



تصویر ۱۶- تنوع نقوش بزکوهی در گلیم شاهسون، ماخذ: نگارنده



تصویر ۱۷- نقش (احتمالی) بزکوهی در جل اسب بختیاری در شکل عمودی، حاشیه جل اسب، ماخذ: opie, 1992.22

تصویر ۱۹- نقش بز و نگاره مرغی قوچکی بختیاری، ماخذ: opie, 1992.22

می‌رسد حضور بسیاری از نقوش به دلیل اهمیت و ارزش معنوی آن در اعتقادات گذشتگان و تقلید از کار آن‌ها است. برخی نقوش، بازمانده هنر مردمان گذشته است و در طول سالیان سال بافته شده و گاه تغییراتی نیز داشته‌اند، این دست از نقوش شباهت آشکاری با آثار به جامانده از دوران پیش از تاریخ و تمدن باستان دارند. این مساله موید و گواهی بر این ادعا است که برخی نقوش دست بافته‌ها ریشه در فرهنگ و اساطیر دارند. مانند نقش بزکوهی با نمادزمین و نقوش به جا مانده بر آبخوری شوش و سیلک است.

می‌توان گفت گلیم بافی تنها هنر بکری است که فرهنگ، هنر و اعتقادات گذشتگان را با انتقال سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر در درون خود محفوظ نگاه داشته است. در میان نقوش مورد علاقه و سنتی اقوام ایرانی هنوز نقوش‌های

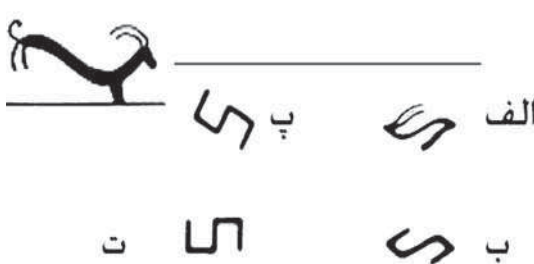
دستی اقوام ایرانی است که با ماشینی شدن بافته‌ها و رواج تولیدات کارخانه‌ای که اغلب هنرهای دستی را تحت الشعاع قرارداد، هنوز در گوشه و کنار روستاها و درمیان مردم عشایر دیده می‌شود.

اغلب نقوشی که امروز در گلیم بافته می‌شود، قرن‌ها است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. بی آن‌که حتی بافندگان آن آثار نامی یا توضیحی برای آن‌ها داشته باشند. برخی بر این گمانند که بافندگان، طبیعت و محیط پیرامون خود را الگو قرار داده و نقش انتزاعی آن‌ها بر گلیم تصویر می‌کنند. اما تکرار نقوش طی قرن‌ها و حتی در دوران معاصر خود گواه آن است که بسیاری از نقوش‌ها به طور سنتی و با تقلید از گذشتگان بافته می‌شود. اگرچه حضور حیاتی بعضی جانوران مانند بز و اسب و مرغ و غیره در زندگی و معاش عشایر سبب حضور نقوش جانوری نیز هست اما تنها دلیل کافی برای کاربرد نقوش نیست.

به طور مثال با همه اهمیت گاو در زندگی عشایر، نقش این حیوان کم‌تر در آثار آن‌ها دیده می‌شود، از این رو به نظر



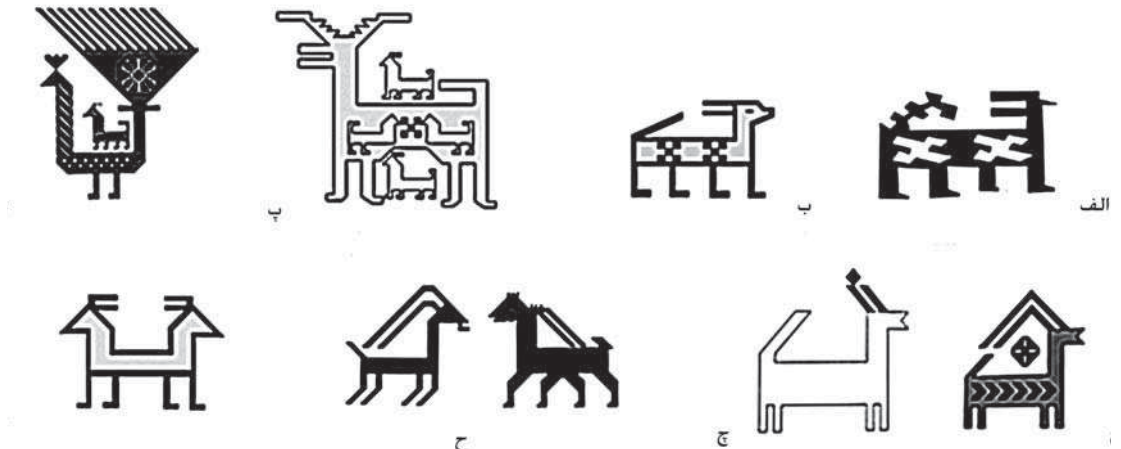
تصویر ۲۰- پازن، بختیاری، نمکدان، ماخذ: همان، ۴۷



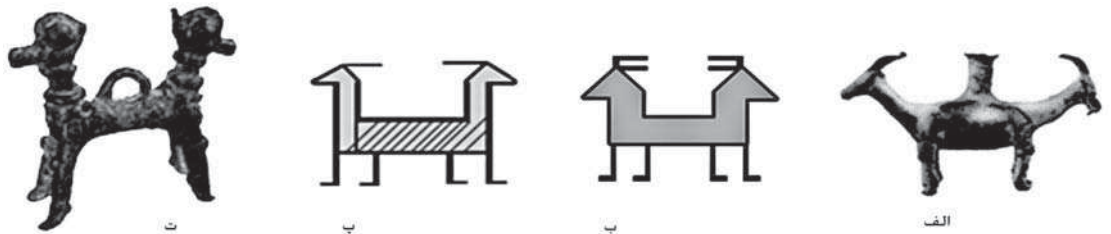
تصویر ۱۸- تغییر نقش بز به شکل هندسی S، ماخذ: پرهام، ۱۳۷۰، ۳۶۱



تصویر ۲۱- بزکوهی قشقایی، مالیند، ربع نخست سده ۲۰، ماخذ: همان، ۱۸۷



تصویر ۲۲- تنوع نقوش بزکوهی در دست بافته های منطقه فارس، ماخذ: نقوش ت، ث، ج و چ پرهام، ۱۳۷۱، نقوش الف، ب، ح و خ نگارنده



تصویر ۲۳- مقایسه نقش بزکوهی

بختیاری‌ها، یکی از شعب چهارگانه قوم لر، از اقوام فارسی زبان و معروف به لر بزرگ و بزرگ‌ترین ایل از اقوام ایرانی هستند. در میان نقوش زیبایی بافته‌های لر طرح‌های ساده شده هندسی و برخی نقوش حیوانات مشاهده می‌شود. می‌توان گفت طرح غالب در گلیم بختیاری، طرح هندسی و انتزاعی است. نکته جالب حضور چند نقش سنتی در میان آن است که کاملاً با فرهنگ دوران باستان هماهنگ و بلکه بازمانده خاموش آن دوران است. این نقوش گاه ساده شده نقوش طبیعی از پس قرن‌ها است که به شکل هندسی و کاملاً انتزاعی تغییر یافته‌اند، مانند نقش S (تصویر ۱۸-۱۷) و نیز در این میان باید از ترنج‌هایی یاد کرد که گرداگرد آن‌ها سرهای ساده شده حیواناتی قرار دارند که احتمالاً بازمانده همان نگاره رمزی مرغی - قوچکی (طلسم باران) می‌باشند و در اثر مرور زمان به اشکال گوناگون و بسیار متنوع در آمده‌اند. (میرنیا، ۱۳۶۸، ۲۵-۲۳)

نگاره انتزاعی بزکوهی در گلیم

یکی از نگاره‌هایی که در بافته‌های گلیمی بسیاری از مناطق ایران، از لرها، بختیاری و قشقایی گرفته تا شاهسون و بلوچ و حتی در مناطقی از قفقاز و آناتولی دیده می‌شود، نگاره‌ای است که به نظر سیروس پرهام برخی آن را شکل ساده شده بزکوهی و برخی دیگر آن را نقش تجرید یافته ازدها می‌دانند. این نگاره هم در متن دستباف به کار می‌رود که در این صورت از نقوش اصلی به شمار می‌رود و گاهی هم

حیوانی باقی مانده از گذشته بافته می‌شود و در این میان نقش بزکوهی همچنان با قوت پایدار مانده است. در واقع دست بافته‌های عشایری از آن رو که برای نیاز خانوار و نه تحت تاثیر تجارت و تقاضای بازار تهیه می‌شود از بسیاری عوامل که بر تولید صنایع دستی تاثیر دارد، محفوظ مانده و هنری بکر و سنتی را به نمایش می‌گذارد.

الف - گلیم اقوام شاهسون

شاهسون‌ها از اقوام ترک زبان مهاجر از ترکمنستان و آناتولی اند و در شمال شرقی آذربایجان زندگی می‌کنند. این ایلات بزرگ‌ترین مانع و مدافع در مقابل دشمنان شمال غربی ایران ابتدا ترکان عثمانی و سپس روسیه تزاری بودند. تعداد زیادی از طوایف شاهسون و در اوایل قرن نوزدهم به نواحی هشترود، میانه، خمسه، بیجار و اطراف قزوین، ساوه و تهران مهاجرت کردند. (تناولی، ۱۳۷۰، ۱۸-۱۷) (تصویر ۱۵)

یکی از اقوامی که بیش از همه به نقوش حیوانی در گلیم‌های خاص خود (معروف به ورنی) پرداخته شاهسون یا ایلسون است. تصویر ۱۶، فراوانی و تنوع طرح و تزئین نقشمایه کل و بزدر دست بافته‌های عشایر شاهسون را نشان می‌دهد و در میان آن برخی نقوش مشابه اقوام دیگر نیز دیده می‌شود. مانند بز دوسر که در بافته‌های بختیاری، خمسه و قشقایی نیز مشاهده می‌شود.

ب - گلیم اقوام بختیاری



تصویر ۲۴-مقایسه تغییرات شکل طبیعی بزکوهی و اشکال آن در هنر از دوران آغاز تاریخ تا گلیم عشایر، ماخذ: نگارنده

بیش تر نمونه های لری بختیاری شاخ دارانند و در برخی نمونه های کهن چشم دارد.

با این همه نمی توان آن را به ترکیب پازن و پرندۀ نماد باران نسبت داد. ترکیب مرغی - قوچکی، که در میان قشقایی ها به قوش و لرهای فارس به سر گنجشکی، و در جنوب ترکیه به سر قوش و اصطلاح کله مرغی و قوچک هم طراز آن است، درست تر بود که پازن یا بزکوهی جایگزین لفظ آن شود. (پرهام، ۱۳۷۱، ۹-۸) (تصویر ۱۹)

مثلاً سه گوش با سر شبیه پرندۀ و یا بزکوهی ساده شده دو یا سه پا و با دویا و یک شاخ، در میان دست بافته های بختیاری (شکل ۲۰) احتمال ترکیب پرندۀ و پازن را تقویت می کند، این نقش در میان مردم منطقه به پازن معروف است که می توان آن را حاصل تاثیر اسطوره ها و رمزپردازی مرغ و بزکوهی دانست. بزکوهی یا پازن با پرندۀ در نقوش سفالینۀ شوش (تصویر ۲) و نیز در مرغ لرستان دیده می شود. نقش دیگر، نقش گوزن با شاخ های پهن است که در دل خود طرح بزکوهی نیز دارد و در گلیم قشقایی نیز بافته می شود. (نقش پ از تصویر ۲۲) در همین نقش طرحی از چلیپا یا گردونه خورشید هم دیده می شود.

به صورت حاشیه بافته می شود، در واقع حالت غالب این طرح به صورت افقی است. (پرهام، ۱۳۷۱، ۳۶۳-۳۶۱)

نقش انتزاعی دیگر از بزکوهی که در میان بافته های بختیاری بیش تر به چشم می خورد، نقش مرغ شاخ دار با دو یا سه پا است. این نقش، با نقش نگاره مرغی - قوچکی که از جنبه شیوه ساده سازی سر مرغ و بز در آن شبیه است و تبدیل آن به یک سه گوش در فرش بافی عشایر فارس بختیاری، احتمال یکی بودن پازن و پرندۀ در طرح مرغی - قوچکی را بیش تر می سازد.

هدف نهایی این شیوه نگاره پردازی پیدا و پنهان، به وجود آوردن سلسله طلسم گونه نقشمایه رمزی طلب باران از کنه نگاره هایی که نقش اصلی آن ها آراستن و تزئین کردن است و نهفتن و پنهان کردن این طلسم در لایه لای خطوط، اشکال و حجم هایی که وسیله استتار و حفاظت آن می باشد. چراکه پنهان کردن دعا و طلسم و دور نگه داشتن آن از چشم دیگران همیشه از ارکان ساحری و طلسم سازی بوده است. در اغلب دست بافته های فارس، بختیاری و افشار، سر مرغ و پرندۀ درست مانند سر اسب، قوچ و پازن به صورت ساده شده سه گوشه متساوی الساقین ترسیم می شود و



توجه نشود، شاید تصادفی به نظر برسد.

با توجه به آخرین تحقیقات بر سنگ‌نگاره‌ها و احتساب برخی علامت‌ها به خط تصویری پیش از تاریخ ایلامی که در ابتدا این نوشتار به آن اشاره شد، به نظر می‌رسد این لوزی بر روی شاخ بزکوهی ممکن است بازمانده نشانه مقدس طلب‌باران که در سنگ‌نگاره‌های پیش از تاریخ در کنار نقش بزکوهی و نماد ماه یا در میان شاخ آن باشد. نماد مقدس (hu) به شکل لوزی همان‌طور که اشاره شد از خطوط پروتو ایلامی مربوط به پیش از تاریخ شناسایی شده است. با توجه به دقت طرح این لوزی بر سر بزکوهی احتمال می‌رود گونه‌ای رمزگذاری مشابه سنگ‌نگاره‌ها برای نماد باران باشد. مانند بزکوهی دوسر در گلیم شاهسون و قشقایی (تصویر ح از ۲۲) که یادآور حیوانات ترکیبی و دو سر مفرغ‌های لرستان است. (تصویر ۲۳)

تغییرات نقش بزکوهی

با مقایسه نقش‌مایه‌های بزکوهی از سنگ‌نگاره‌ها تا دوران معاصر، می‌توان به این نکات دست یافت: همان‌طور که در دوران باستان، از پیش از تاریخ تا دوران تمدن باستان، نقش نمادین بزکوهی در اعتقادات کم‌رنگ می‌شود، طراحی آن نیز به طبیعت‌گرایی نزدیک شده و اغراق در شاخ‌ها که از ویژگی‌های ترسیمی در دوران پیش از تاریخ بود، کم می‌شود.

در دوران اسلامی طرح‌های پراکنده‌ای از بز یا بزکوهی و مارال در ظروف سفالین و فلزی دیده می‌شود که جنبه نمادین آن کم‌رنگ بوده و ترسیم طبیعی شکل حیوان مدنظر بوده است. با این همه می‌توان گفت نقش بزکوهی در دست‌بافته‌ها بیشتر تر شکل نمادین دارد. مانند تصویر ۲۰، که بزکوهی دوسر را در گلیم عشایر و در قیاس با مفرغ‌های لرستان نشان می‌دهد که دقیقا نقشی به جا مانده از دوران باستان است. همچنین همراهی برخی نشانه‌ها با نگاره بزکوهی در دست‌بافته‌ها، نظیر کاربرد آن در سفالینه‌های دوران باستان است.

همچنین نماد ماه یا خورشید (سواستیکا) یا نمادی از آب و زمین که در نقوش بختیاری و قشقایی بر تنه‌گوزن و بر شاخ بزکوهی دیده می‌شود و در نقوش دوره باستان نیز نگاره بز همراه نماد آب، دیده می‌شود. (تصویر ۲۴)

استحاله نقش بز به شکل خطی مانند حرف S در تصویر ۱۵، نشان‌گر اهمیت آن، کاربرد مکرر و استحاله آن در شکل دیگر است که ضامن تداوم این نقش و رمزگذاری آن در دست‌بافته‌گشته است.

باتوجه به اسناد هنری ساسانی اکنون بارز است که گوزن شاخ پهن موجود در بافته‌های لری قشقایی تجسم ساده‌شده گوزن معروف به «بین‌النهرینی» است که اصل آن از اروپای دوران پیش از یخبندان بوده و به بین‌النهرین مهاجرت کرده و از قرون وسطی تاکنون جزء جانوران گمشده بوده و به احتمال بسیار زیاد، همین گوزن الگوی بافندگان عصر هخامنشی نیز بوده است، زیرا نمونه واضح این گوزن شاخ‌پهن در قالی مشهور پازیریک (از عهد هخامنشی) دیده می‌شود. بدین ترتیب خاستگاه نقوش گوزن بافته‌های لر بختیاری و به‌طور کلی نواحی فارس مشخص و روشن می‌گردد. (پرهم، ۱۳۷۱، ۱۰۱)

ج- گلیم اقوام فارس

در میان دست‌بافته‌های اقوام منطقه فارس، بزکوهی نقش پایداری در انواع گلیم است. ایلات ترک، لر و عرب در این منطقه هم‌جواریند، ایل قشقایی از اقوام بزرگ منطقه است. اما به جرات می‌توان گفت بیش از همه شاهسون‌ها از نقوش حیوانی در گلیم استفاده می‌کنند. ظاهرا جانورنگاری در گلیم قشقایی چندان رواج ندارد و زیراندازهایی که دارای نقوش حیوانی هستند، در واقع پرزباف می‌باشند.

جانور نگاری کم‌تر در زیراندازی در بافت جل اسب، خورجین، مفرش و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرند. شاید بتوان گفت تنها نقش جانوری گلیم قشقایی، همان ترنج‌های برگرفته از نگاره کله مرغی - قوچی است. (تصویر ۲۱)

از آن‌جا که قشقایی‌ها ترک‌زبان بوده و با طوایف لر و عرب نیز هم‌جواری دارند، برخی نقوش آن‌ها از اقوام ترک ولر الهام گرفته شده است، نقش طاووس از اقوام شاهسون و نقش گوزن شاخ‌پهن از لرها که هر دو نقش نیز با نقش بزکوهی ترکیب شده است.

در تصویر ۲۲، انواع نقش‌های بزکوهی در میان عشایر منطقه فارس دیده می‌شود. قشقایی‌ها که یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های عشایری منطقه فارس‌اند، دارای زیباترین، جذاب‌ترین و مرغوب‌ترین قالی‌ها و گلیم‌های این سرزمین‌اند.

همان‌طور که در آغاز تاریخ، در شوش و سیلک نماد زمین و یا آب و گردونه خورشید به عنوان طلسم باران خواهی و برکت بر سفالینه‌ها همراه نقش بزکوهی و یا در میان شاخ‌های اغراق شده تصویر می‌شد.

در برخی از نقش‌های بزکوهی قشقایی گاه بر تنه‌طرح و یا در میان شاخ بزکوهی نیز نماد چلیپا، ماه یا گردونه خورشید نیز قابل مشاهده است. بر روی یکی از نقش‌های بزکوهی (چ) از تصویر ۲۲ روی شاخ بزکوهی، یک لوزی در نهایت دقت و زیبایی و بداعت دیده می‌شود که چنانچه به آن

نتیجه

نقش جانوران از علایق هنر ایرانی است که با توجه به اعتقادات، اسطوره‌ها و آیین‌ها در سفال‌گری، فلزکاری، و دست‌بافته‌ها و نقش برجسته‌ها دیده می‌شود. در میان نقوش جانوران، بزکوهی از فراوانی

بسیاری در دوران تاریخی از پیش از تاریخ تاکنون برخوردار است. به نظر می‌رسد این موضوع ریشه در اسطوره‌ها و اعتقادات دوران باستان در مورد این حیوان دارد. گلیم بافی، از هنرهای دستی سنتی ایران است و می‌تواند از منابع بکر شناسایی نقوش و نمادهای اسطوره‌ای و باستانی تلقی شود. این هنر که تا روزگار ما کم‌تر دستخوش تغییرات دنیای صنعتی قرار گرفته در خود سنت‌ها، عقاید و علایق گذشتگان را از دوران باستان نهفته دارد. شباهت نقوش به جامانده از بزکوهی در دست بافت‌ها، رابطه بامعنایی با نقوش سنگ‌نگاره‌ها و سفالینه‌ها و فلزکاری از دوران پیش از تاریخ تا تمدن تاریخی و دوران معاصر را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد دلیل تنوع، فراوانی و تداوم نقش بزکوهی در ایران و حضور فعلی آن در گلیم‌ها، اهمیت نمادین آن در دوران کهن است که از آن نمادی برای طلب باران و فراوانی ساخته و همچون طلسمی در میان نقوش بافته از دیرباز پنهان و محفوظ مانده است. از این رو این نقش در دوران باستان و در دست بافته‌ها، همواره با نشانه‌هایی نمادین همراه است و تنها در هنر اسلامی است که کاربرد طبیعت‌گرایی آن بر معنای نمادین آن غلبه دارد. اشکال متنوع تداوم و تکرار این نقش در سنگ‌نگاره‌ها، سفالینه و هنر فلزکاری کهن و پایداری آن در دست بافته‌ها نشان از اهمیت آن در اعتقادات، زندگی و معاش مردمان گذشته داشته و ارزش معنوی دست بافته‌های روستایی و عشایری را دوچندان می‌سازد. از سویی این مساله نشان‌گر آن است که چگونه یک نقش باستانی در گلیم هنوز پابرجا مانده و به عبارتی دست بافته‌های روستایی و عشایری محمل استمرار یک سنت باستانی است. این موضوع بر اهمیت حفظ میراث کهن دست بافت‌ها و مطالعه نقوش آن به عنوان گنجینه‌ای به جامانده از فرهنگ و هنر ایرانی می‌افزاید.

منابع و ماخذ

- الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، انتشارات سروش، ۱۳۷۲.
- تاجبخش، هدایت، جمالی سیروس، نخجیران از آغاز تا امروز، موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران، ۱۳۷۴.
- تناولی، پرویز، نان و نمک، کتابسرا، تهران، ۱۳۷۰.
- تناولی، پرویز، هنر زیرپا گبه، انتشارات یساولی، بی‌تا.
- پرهام، سیروس، دست بافت‌های عشایری و روستایی فارس، جلد ۱، موسسه انتشاراتی امیرکبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۰.
- پرهام، سیروس، دست بافت‌های عشایری و روستایی فارس، جلد ۲، موسسه انتشاراتی امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.
- پوپ، آرتور اپهام، شاهکارهای هنر ایران، دکتر پرویز ناتل خانلری، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- جانبز، گرترو، سمبل‌ها (کتاب اول: جانوران)، محمدرضا بقاپور، تهران، ۱۳۷۰.
- خلیلی، ناصر، گروبه، ارنست ج، سفال اسلامی، فرناز حایری، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۸۴.
- ریاضی، محمدرضا، طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی، انتشارات گنجینه، ۱۳۸۲.
- فرهادی، مرتضی، موزه‌هایی در باد، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- کارنوی، آلبرت جوزف، اساطیر ایرانی، احمد طباطبایی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
- کوپر، جی. سی، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ملیحه کرباسیان، انتشارات فرشاد، ۱۳۷۹.
- کامبخش فرد، سیف‌ا...، سفال و سفال‌گری در ایران، ققنوس، تهران، ۱۳۷۹.
- کریمی، فاطمه، کیانی، محمدیوسف، هنر سفال‌گری دوره اسلامی، ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
- گیریشمن، رومن، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، عیسی بهنام، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- گدار آندره، هنر ایران، حبیبی، بهروز، انتشارات باد، تهران، ۱۳۴۵.



- میرنیا، سیدعلی، ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران، نسل دانش، تهران، ۱۳۶۸.
- ناصری فرد، محمد، سنگ نگاره‌های ایران، ۱۳۸۸.
- هال جیمز، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
- هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۴.
- Hull, Alastair, Wyhowska, Luczyc, Jose, Killim, Thames & Hudson 1983.
- Opie James, nomadic and village weaving from the near east and central Asia, Laurence king, London, 1992.

Rug the preserver of wild goat figure since the ancient times

Effatolsadat Afzaltousi, PH.D, Assistant Professor, Faculty Of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

Received: 2011/7/9 Accept: 2012/1/9



The importance of animal figure is dramatic in Iranian art since ancient time. Animal figures were sometimes used as symbols of agriculture and nutrition and also as symbols of gods, kingdoms and elements of universe. Among animal figures, wild goat figure has a great importance. In ancient times this figure was symbol of seeking rain and blessing rather than just being a decorative figure.

After Sassanid era and in Islamic age wild goat figure lost its importance and was mainly preserved in rural and nomadic hand-woven due to fundamental changes in beliefs as well as artistic and cultural attitudes.

In this essay we tend to seek the reasons behind perseverance and persistence of wild goat figure in Iranian art and its meaning by investigating the available figures from prehistory until today, and comparing them to each other through an analytic way .

It seems that wild goat figure's formation on stones was due to ancient peoples beliefs and costumes which considered this figure as a symbol of rain, fertility and abundance. This figure was passed from each generation to next in ancient art and was protected from changes and damages of the time through nomadic hand-woven.

The correlation between this figure and life, livelihood, dreams of the weaver and the traditional way of its transmission within centuries is the cause of its persistence among today's nomadic weavings.

Today's weaver is a preserver of this figure without knowing its exact meaning and that's how the rug contains an ancient figure and desire.

Key words: wild goat, ancient, civilization, carpet, nomads of Iran.